

نقش محبت امام زمان علیه السلام در رسیدن به کمال

راحله علمی^۱، مرضیه مکاری امیری^۲

چکیده

این مقاله، در راستای بررسی نقش محبت امام زمان علیه السلام در رسیدن به کمال نوشته شده و هدف آن، بررسی نقش امام زمان علیه السلام در رسیدن به کمال است. این موضوع از نظر زمانی مربوط به دوران ائمه علیهم السلام به بعد بوده است. دامنه این موضوع با علم های کلام و اخلاق مرتبط است. ابزار گردآوری و جمع آوری مطالب این تحقیق به صورت کتاب خانه ای و به صورت توصیفی-تحلیلی است. در این مقاله، نتیجه گرفته شد که انسان برای اینکه به کمال معنوی برسد، به واسطه هایی مانند ائمه اطهار علیهم السلام و محبت ایشان نیاز دارد که مصداق بارز آن در عصر حاضر، امام زمان علیه السلام است. این محبت نیز باید هم به صورت قلبی، هم زبانی و هم عملی باشد.

واژگان کلیدی: محبت، کمال معنوی، امام زمان علیه السلام.

۱. مقدمه

کمال، مسئله مهمی است که از زمان ائمه علیهم السلام مطرح بوده؛ زیرا آن بزرگواران، هدفشان رساندن انسان ها به کمالات معنوی و سعادت جاوید بود. انسان در صورتی که به کمال نرسد، زندگی اش عبث و بیهوده است. ائمه معصومین علیهم السلام کامل ترین انسان های هستی هستند. انسان می تواند با محبت به این الگوهای جاوید، به قله های مرتفع کمال و سعادت دست یابد. در سیره امامان معصوم علیهم السلام نمونه هایی است که با محبت به این ذوات مقدس به کمال دست یافتند.

۲. مفهوم شناسی

۲-۱. محبت

محبت در لغت به معنی دوست داشتن، دوستی و دوستداری است. (معین، ۱۳۸۲، ص ۲۹۸۱) در اصطلاح اخلاق، ابتهاج و شادمانی نفس به ادراک ملائیم و رسیدن به آن را محبت می گویند (نراقی، ۱۳۸۵، ص ۴۲۸).

۱. دانش پژوه کارشناسی کلام اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، از افغانستان.

۲. مدرس حوزه علمیه، دانش پژوه سطح ۴ تفسیر تطبیقی، دبیر پژوهش گروه علمی- تربیتی مطالعات اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، از ایران.

۲-۲. کمال

کمال در لغت به معنای تمام شدن، تمام و تمامیت، آراستگی صفات، معرفت و ترقی است. (معین، ۱۳۸۲، ص ۲۵۲۰) در اصطلاح، در مقابل ناقص، معنی دیگری دارد. یک شیء که از نظر اجزا تمام بوده و از این نظر نقصی ندارد (زکریایی، ۱۳۸۹، ص ۴۴۷).

۲-۲-۱. انواع کمال

۲-۲-۱-۱. کمال مادی

آدمی، از آغاز به اقتضای فطرت کمال جویش به کمال گرایش نشان می‌دهد. به گونه‌ای که رسیدن به کمال را دوست دارد. انسان در کمالات مادی، با جمادات، نباتات و حیوانات مشترک است. کمال مادی انسان را می‌توان از آیه ۱۴ سوره مؤمنون برداشت کرد که مراحل خلقت تکمیلی او را از نطفه تا استخوان و گوشت بیان می‌کند، سپس می‌فرماید همین ماده و طبیعت را تبدیل به روح می‌کنیم. طبیعت، مادر روح انسان است و انسان در طبیعت که زندگی می‌کند، در دامن مادر زندگی می‌کند. بنابراین، در همه جا باید تکامل پیدا کند. (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۱۸۰) کمال انسان، از کمال مادی او آغاز می‌شود، اما برای اینکه به کمال نهایی راه یابد، لازم است از بعد مادی خود فراتر رفته و به کمال معنوی برسد.

۲-۲-۱-۲. کمال معنوی

انسان، موجود مرکبی است که دو بعد مادی و معنوی دارد. بعد مادی انسان، منشأ طبیعت و تمایلات حیوانی، و بعد معنوی یا الهی او، منشأ فطرت و تمایلات فوق حیوانی اوست. همین بعد، به انسان مقامی می‌دهد که فرشتگان به خاطر آن مقام، مأمور به سجده بر او شدند. کمالات معنوی نیز در جاتی دارند که متناسب ظرفیت وجودی افراد است. قرآن کریم با تعبیری مانند «لهم درجات» (انفال: ۴)، «هم درجات» (آل عمران: ۱۶۳) به این تفاوت درجات اشاره می‌کند. در این تعبیر، لطافت خاصی نهفته و بر این نکته دلالت دارد که اختلاف مقامات و مراتب انسان‌ها، به دلیل تفاوت‌های بیرون از ذات و نفس آنها نیست، بلکه نفوس آدمیان است که به درجات و مراتب مختلفی تقسیم می‌شود. صفات و ویژگی‌هایی هم که موجب رسیدن انسان به کمال نهایی او می‌شوند، شدت و ضعف پذیرند. اموری مانند ایمان، تقوا، معرفت و عمل صالح، اموری حدپذیر و ثابت نیستند. (واعظی، ۱۳۷۷، ص ۱۷۲)

۲-۲-۲. عوامل کمال

۲-۲-۲-۱. عوامل درونی

منظور از عوامل درونی، استعداد‌های ذاتی فرد است که خداوند درون هر انسان قرار داده تا هدایت شود. هر کدام از این استعدادها راهی برای رسیدن به کمال است. مهمترین عوامل درونی عبارتند از:

اول. تفکر و تعقل

اسلام اهمیت زیادی به تفکر و تعقل می‌دهد در حدی که عقل در روایت حجت باطنی دانسته شده (کلینی، ۱۳۴۸، ۱۹/۱) و تفکر، بالاتر از سال‌ها عبادت است (مجلسی، ۱۳۹۶، ۲۹۳/۶۹). رسول خدا ﷺ فرمود: «تفکرٌ خیرٌ من عباده» (کلینی، ۱۳۴۸، ۳۲۷/۷۱). تفکر به دو جهت از عبادت برتر است: اول اینکه، تفکر سبب وصول به خود حق تعالی است، اما عبادت، مایه وصول به ثواب الهی است و آنچه سبب رسیدن به خداوند است، به حتم برتر است از آنچه موجب رسیدن به غیر اوست. دوم اینکه تفکر، عمل قلب است، اما طاعت، عمل جوارح، و چون قلب والاتر از جوارح است، پس عمل آن نیز بالاتر از جوارح است. نتیجه آنکه وصول به مقصد نهایی، جز از راه تفکر در معارف حقیقی و تأمل در آیات ربوبیت الهی و ادراک حضور او محقق نمی‌شود (عبداللهی، ۱۳۸۹). در بسیاری از آیات قرآن به این دو مسئله اشاره شده تا جایی که نابخردان، سرزنش شده‌اند (بقره: ۷۶؛ انعام: ۳۱؛ اعراف: ۶۹). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر کس عاقل باشد، به طور حتم، دین دار هم خواهد شد و هر کس دین دار شد، داخل بهشت می‌شود» (مجلسی، ۱۳۹۶، ۳۲۲/۷۱). دین دار شدن و رسیدن به بهشت، نوعی تکامل رسیدن است. بنابراین، می‌توان به این نتیجه رسید که تفکر و تعقل یکی از راه‌های درونی کمال انسان است.

دوم. علم

دومین راه رسیدن به کمال، پس از تعقل و تفکر، علم است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا؛ خداوند همه اسماء را به آدم آموخت». (بقره: ۱۳) و تعلیم اسماء به حضرت آدم، منشأ فضیلت آدم بر ملائکه و سجده فرشتگان بر او شد (بقره: ۳۴) فضیلت، یعنی به کمال رسیدن و از راه علم، می‌توان به کمال رسید. انسان، با علم و کسب دانش، تعقل و تفکر می‌کند. علم، غذای عقل و روح است. در برخی از آیات و روایات، تعلم و تفقه به عنوان طعام و غذای عقل و روح مطرح شده است. علم، منشأ فضیلت انسان است. خداوند متعال، درجات

کمال انسان‌ها را منوط به علم و ایمان دانسته؛ زیرا عالمان و نادانان را در یک درجه قرار نداده و می‌فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؛ آیا کسانی که می‌دانند، با آنان که نمی‌دانند، برابرند» (زمر: ۹) (مؤمنی، ۱۳۹۳، ص ۷۲۱).

سوم. اراده

اراده انسان، بالاترین عاملی است که می‌تواند او را به اوج عزت یا حضيض ذلت برساند. بنابراین، با اراده می‌توان به کمال رسید. وقتی انسان از حقیقت وجودی و آغاز و انجام خود آگاه شد و دانست که کمال نهایی او در امری و رای دنیا و خواهش‌های حیوانی نهفته، چون بر اساس فطرتش کمال طلب است، شوق وصول به آن مقصد عالی در وجودش موجب می‌شود تا بکوشد به این مرتبه والا برسد. روشن است مادام که اراده تحصیل کمالی در انسان ظاهر نشود، به هیچ‌روی در صدد به‌دست آوردن آن کمال بر نخواهد آمد، دستیابی به هر کمال، تنها در سایه رفتارهای ارادی خود انسان حاصل می‌شود و هر کمالی که نسبت به آن، اراده ای در وجود آدمی نقش نبندد، انسان به آن نخواهد رسید. (عبداللهی، ۱۳۸۹)

چهارم. عمل صالح و عبودیت

چهارمین راه وصول به کمال حقیقی، عمل صالح و عبادت خالصانه خداوند است. بعد از تفکر و علم صحیح، در قلب سالک نسبت به خداوند متعال، ایمان منعقد می‌شود و به دنبال آن، انسان در پرتو اراده اعمال صالح و شایسته خداوند، مسیر صراط مستقیم الهی را طی کرده به جوار حضرت حق گام برمی‌دارد. از دیدگاه قرآن، ایمان و عمل شایسته در زندگی و سرنوشت ابدی انسان نقش اساسی دارد. «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ؛ برای کسانی که ایمان آورده اند، آمرزش و پاداش بزرگ است» (فاطر: ۷) (مؤمنی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۱). آمرزش و پاداش بزرگ، از مصادیق رسیدن به کمال است.

۲-۲-۲-۲. عوامل خارجی

اول. خداوند

خداوند متعال، مظهر کمال است و چون بندگانش تجلی وجود او هستند، صفت کمال الهی نیز در موجوداتش از جمله انسان تجلی کرده است. همچنین خداوند رحمت بر بندگان را بر خود واجب کرده (انعام: ۱۲) و یکی از مصادیق رحمت الهی، رساندن بندگان به کمال است. بنابراین، مهمترین عامل خارجی رساندن انسان به کمال، خداوند است. با نگاهی

دقیق‌تر، تنها عامل اصلی که آدمی را در مسیر تعالی و سعادت واقعی قرار داده و او را به قله های کمال رهنمون می‌سازد، خداوند سبحان است؛ زیرا کامل بالذات است. خداوند در آیه ۵۶ سوره قصص به صراحت، هدایت بندگانش را به خود اختصاص داده و خطاب به پیامبرش می‌فرماید:

انک لا تهدی من احببت و لکن الله یهدی من یشاء و هو اعلم بالمهتدین؛ تو نمی‌توانی کسی را که دوست داری هدایت کنی، ولی خداوند هر کس را که بخواهد، هدایت می‌کند و او به هدایت یافتگان آگاه‌تر است. (مؤمنی، ۱۳۸۷، ص ۶۹)

دوم. علوم و معارف الهی

یکی از عوامل خارجی کمال، علوم و معارف الهی است. به تصریح ملاصدرا، معرفت، ریشه هر سعادت، و جهل، اساس هر شقاوت است. «(شیرازی، ۱۳۷۹، ۲۵۷/۴) اگر انسان به معرفت واقعی دست بیابد، به آن عمل نیز می‌کند. علوم و معارف الهی عبارتند از: معرفت ذات حق تعالی، صفات کمال و جمال، کیفیت صدور افعال و شناخت کتب، یعنی قرآن و روایات و انبیاء و اولیای الهی هست که انسان را به کمال می‌رسانند. به اعتقاد ملاصدرا، علمی که تحصیل آن بر انسان واجب عینی است، علم یقینی به لقاء الله وحدانیت او و صفات و افعال اوست و سپس، معرفت علوم انسانی هست (عبداللهی، ۱۳۸۹، ص ۷۴). از مهمترین عوامل کمال انسان، تمسک به قرآن است. در مرحله نخست، باید به این کتاب آسمانی، شناخت و معرفت یافت و در آن همان‌گونه که خود قرآن خواسته، تعقل، تفکر و تدبر کرد و دانست همچنان که خداوند متعال، بر انبیاء و امامان معصوم علیهم‌السلام تجلی تکوینی کرده، بر سایر بندگان خویش نیز تجلی تدوینی کرده و خویش را با قرآن کریم نمایانده است. بنابراین، در اثر این تجلی، معانی قرآن، بی‌نهایت و همه چیز در او جمع است. (عبداللهی، ۱۳۸۹، ص ۷۵)

سوم. انبیاء و امامان معصوم علیهم‌السلام

خداوند متعال، که خود، کمال مطلق و جامع همه صفات جمال و جلال و اسمای حسنی است، برای هدایت و استحکام انسان و اجتماع، سفیرانی را از جانب خود و از سنخ بشر برگزیده است، ولی آدمی، هم در تشخیص عوامل سعادت و شقاوت در جهان، دچار عجز است و هم در تشخیص راه‌های نیل به سعادت واقعی، محتاج و نیازمند به غیر و این غیر، همان حجت‌ها و سفیران الهی هستند. سومین عاملی که در کنار هم نقش هدایتی انسان و اجتماع را بر عهده

دارد، معصومان، به ویژه اهل بیت علیهم السلام هستند. این عامل و عامل قرآن کریم، دو حبل متین الهی هستند که پیوسته در کنار هم بوده، همچون شاهراه عظیم و نورانی هدایت، همواره سالکانش را تا جنات تجری من تحتها الانهار رهنمون کرده و به بقای پروردگار خواهد رساند و ظالمان آنها نیز جز خسارت، نصیبی نخواهند داشت. (عبداللهی، ۱۳۸۹، ص ۷۸)

چهارم. علما و دانشمندان

عالمان، همواره در جوامع انسانی نقش هدایتی بر عهده دارند. آنها در هر دوران و سرزمینی، مشعل هدایت را بر دوش کشیده‌اند، البته هدایت عالمان زمانی مؤثر خواهد بود که علم آنها متصل و برگرفته از منبع درخشان و لایزال وحی و ترجمان وحی پیلیمبر صلی الله علیه و آله باشد، در غیر این صورت، خودشان نیز همچون خفته و غفلت زده‌ای خواهند بود که نه تنها منشأ بیداری خفتگان جامعه نیستند، بلکه چه بسا به عناصر مخرب و اضلال جامعه نیز بدل خواهند گشت. (مؤمنی، ۱۳۷۸، ص ۹۵)

۳. انواع محبت

محبت، پایه و اساس دین است که به عنوان مظهری از مظاهر رحمت الهی در وجود آدمی نیز ریشه دوانده است. محبت، درخت پاکی است که ریشه در اعماق وجود انسان و شاخه در گستره آسمان معنویت دارد. میوه این درخت سعادت، اعمال خیری است که از اعضا و جوارح انسان سر می‌زند. هر چه محبت بیشتر و عمیق‌تر باشد، آثار بیشتری برای انسان به همراه دارد. (حسینی، ۱۳۹۳، ص ۶۶) انسان می‌تواند به شیوه‌های متفاوتی محبت‌ورزی کند، چنانکه از برخی از سیره‌های امامان مشخص است، معصومان علیهم السلام روش‌های متفاوتی را در ابراز محبت خود به کار برده‌اند.

۳-۱. محبت قلبی

اولین گام برای ایجاد محبت واقعی آن است که این محبت در قلب آدمی ایجاد شده و رشد و نمو پیدا کند. این محبت ایجاد نمی‌شود مگر اینکه قلب، از دوستی‌های دیگر خالی شود؛ زیرا قلب انسان مانند ظرفی است که تا آب را از آن خالی نکنی، ظرفیت قبول سرکه را ندارد و خداوند نیز درون هیچ کس دو قلب قرار نداده است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «حب الدنیا و حب الله لا یجتمعان فی قلب واحد؛ محبت و دوستی دنیا و حب خداوند در یک قلب جمع نمی‌شوند».

(ورام، ۶۰۵، ۲/۱۲۲)

۳-۲. محبت زبانی

در گام دوم مشخص است که الفاظ در ارتباطات نقش اساسی دارند. یکی از عواملی که باعث تداوم محبت می‌شود ابراز زبانی این عشق و محبت است. در ارتباط با معشوق باید او را از محبت درونی و قلبی خود آگاه کرد تا باعث استحکام رابطه و تقویت محبت شود.

۳-۳. محبت عملی

سومین و مهمترین مرحله عشق و محبت، محبت عملی است. اگر کسی تنها ابراز محبت کند و در قلب خود نیز کسی را دوست داشته باشد، اما در عمل، رفتاری داشته باشد که مخالف با فرامین محبوب است، این دوست داشتن فایده‌ای نخواهد داشت؛ زیرا این مخالفت باعث آزار و اذیت و ناراحتی محبوب می‌شود و آزردن محبوب، نشانه عدم صداقت و وفاداری او در عشق و محبت است. آنان که دم از عشق و محبت می‌زنند، ولی دل محبوب را سوزانده و باعث آزار محبوب می‌شوند، این محبت آنان تو خالی بوده و هیچ ارزشی ندارد. در مقابل، کسانی که یار محبوب بوده و از او نافرمانی نمی‌کنند، اوامر و نواهی او را پذیرفته و بادل و جان به آنها عمل می‌کنند، همواره با انجام اعمالی که خوشایند محبوب بوده و باعث خوشنودی او می‌شود، صادق در حب و دوستی معشوق هستند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی می‌فرماید:

یا علی مثلک مثل قل هو الله احد من احبک بقلبه و اعانک بلسانه فکانما قراثلثی
القرآن و من احبک بقلبه و اعانک بلسانه و نصرک بیده فکانما قرا القرآن کله.
ای علی! مثل تو مانند قل هو الله احد است. کسی که تو را با قلبش دوست داشته
باشد و با زبانش به تو کمک کند، گویی که یک سوم قرآن را خوانده و کسی که تو را با
قلبش دوست بدارد و با زبانش یاریت کند و با دستش تو را کمک کند، گویی که کل
قرآن را خوانده است. (عروسی حویزی، ۱۱۱۲، ص ۲۰۶)

در این روایت پیامبر صلی الله علیه و آله انواع محبت به امام را بیان کرده و بالاترین آن، هم قلبی، هم زبانی و هم عملی است.

۴. آثار محبت

۴-۱. اطاعت از محبوب

یکی از آثار محبت به خداوند، اطاعت است، یعنی کسی که نسبت به خداوند محبت داشته باشد، تنها از اوامر پروردگارش اطاعت کرده و راه اطاعت از پروردگار، اطاعت از فرستاده و رسول اوست و هیچ چیز مانع از اطاعت فرمان خداوند برای او نخواهد شد. محبت، تنها علاقه

قلبی ضعیف و خالی از هرگونه اثر نیست، بلکه محبت واقعی آن است که اثر عملی داشته باشد و کسی که مدعی علاقه به پروردگارش است، نشانه اش این است که از پیامبرش پیروی کند. اثر طبیعی محبت آن است که محب را به سوی محبوب و خواسته هایش کشانده و رفتار ویژه ای را در او نسبت به محبوبش برمی انگیزد. کسی که مدعی دوستی خداست، باید از حبیب خدا نیز پیروی کند تا بتواند راه محبت را پیموده و به محبوب حقیقی نزدیک تر شود. (حسینی، ۱۳۹۳، ص ۶۹) خداوند در آیه اولی الامر می فرماید: «یا ایها الذین ءامنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول واولی الامر منکم» (نساء: ۵۹). اولوالامر گروهی اند که بهره ای از وحی نداشته و کار آنها فقط صادر کردن آرایبی است که به نظرشان صحیح بوده و اطاعت آنان در آن آراء و اقوالشان، بر مردم واجب است، همان طور که اطاعت رسول صلی الله علیه و آله در آرایش و اقوالش بر مردم واجب بود (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۴/۶۱۸). کسی که خدا اطاعت او را به طور قطع و بدون چون و چرا لازم بشمرد، باید معصوم باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ۳/۵۶۱). تا عقل حکم کند به لزوم اطاعت آنها و این خاص به معصومین هست و مقام عصمت، امری است باطنی، احدی خبر ندارد جز خدا، پس باید خدا معین فرماید (طیب، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵). اگر انسان امام زمان را محبوب خود گرفت، او را در همه چیز بر خود مقدم داشته و او را برگزیده و در این راستا هر آنچه را امامش می خواهد، می پسندد و این عالی ترین هدایت ممکن است؛ زیرا میل و اراده انسان، در مسیر انتخاب صحیح ترین اعمال قرار می گیرد آن هم از طریق محبت، که موجب راحتی جان است و نه از طریق تکلف که در انجام امور احساس سختی کند. (طاهرزاده، ۱۳۸۸، صص ۲۱۰-۱۶۰)

۴-۲. ترک گناه

یکی از اساسی ترین اثر فردی که برای محب در راه محبوب می توان تصور کرد، ترک گناه است. انسانی که ادعای دوستی خداوند را دارد، هرگز کاری بر خلاف محبوب انجام نمی دهد. برای تقدیم محبوب، انسان نباید به دنبال گناه برود تا گرد گناه بر چهره جانانش ننشیند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

من اراد منکم ان یعلم کیف منزله عند الله فلینظر کیف منزله الله منه عند الذنوب.
اگر کسی می خواهد بداند که جایگاهش نزد پروردگارش چگونه است، باید ببیند که گناهانش در برابر پروردگارش چه جایگاهی دارد. (مجلسی، ۱۳۹۶، ص ۱۸)

اگر درون انسان، محبت واقعی وجود داشته باشد، آثار فراوانی بر آن مترتب است، از جمله، جلب رضایت پروردگار و مقدم دانستن آن بر رضای دیگران. «دلیل الحب ایثار المحبوب علی

ما سواه». (مجلسی، ۱۳۹۶، ص ۲۶) وقتی قلب بیمار شد، خاصیتش که فهم و ادراک و تعقل و تأثر و محبت است، سلب می شود و وقتی قلب بیمار شد، بقیه اعضا نیز از کار افتاده و چشم از دیدن حقایق و گوش از شنیدن حقایق باز می ماند. خداوند در توصیف این گروه می فرماید:

لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَانُوا لِنِعْمِ بَلِّ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ.

دل ها بیدارند که با آن فهم نمی کنند، چشم ها بیدارند که با آن نمی بینند، گوش هایی دارند که با آن نمی شنوند، ایشان چون چارپایانند، بلکه آنان گمراه ترند. ایشان همانند غفلت زدگانند. (اعراف: ۱۷۹) (حسینی، ۱۳۹۳، ص ۶۶)

۴-۳. توبه

توبه، یکی از راه های برقراری ارتباط بنده با خدا، به معنای رجوع از حالی به حال دیگر است. (ابن عربی، بی تا، ص ۳۳۶) محب و دوستدار خداوند، اگر چه در راه محبوب خود تلاش کرده و از گناه دوری می کند، اما ممکن است دچار لغزش شده و گناه کند. خداوند هم به خاطر علاقه به بنده تائبش، او را خواهد بخشید. قرآن کریم محبت خداوند به بنده توبه کار را چنین ترسیم می کند: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (بقره: ۲۲۲). در همین رابطه رسول خدا ﷺ می فرماید: «خداوند، بنده مؤمن گناه کار، توبه کار را دوست دارد» (هندی، ۱۴۰۹، ص ۲۰۹). امام سجاده علیه السلام در دعای خود می فرماید:

بارالها! در کتاب استوارت فرمودی که توبه را از بندگانت می پذیری و از گناهان در می گذری و توبه کاران را دوست می داری، پس همان گونه که وعده داده ای، توبه ام را بپذیر و همان گونه که تضمین کرده ای، از گناهانم در گذر و همان گونه که شرط کرده ای، دوستی ات را بر من مقرر بفرما. (صحیفه سجادیه، دعای ۱۴۷، ص ۱۲۵) (حسینی، ۱۳۹۳، ص ۶۶)

۵. آثار محبت در رابطه با امام زمان علیه السلام

وقتی انسان بر اساس محبت ذاتی به کمال مطلق، می خواهد خدا را دوست داشته باشد، باید بداند که خدا در جلوه عالیه خود در امام زمان علیه السلام به نمایش می آید. تنها محبت انسان کامل، محبت حقیقی است؛ زیرا در عین اینکه بین محب و محبوب اتحاد برقرار می شود، سیر آن محبت به جهت آنکه محبوب، نمایش اسماء الهی است، به محبت خدا منتهی می شود.

۵-۱. محبت قلبی در رابطه با امام زمان علیه السلام

راه محبت به انسان معصوم که حقیقت انسانی است، مسیری است که انسان آماده ارتباط با انوار الهی می‌شود؛ زیرا انسانیت، با ارتباط قلبی با انسان کامل تغذیه می‌شود. همان‌طور که آب را خدا خلق کرده و برای رفع تشنگی استفاده می‌شود، پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام را خلق کرد و به واسطه آنها گناهان را می‌بخشد، یعنی با تبعیت و پیروی رسول خدا صلی الله علیه و آله فردی که می‌خواست محب خدا شود، خداوند او را به چیز بالاتری رساند و آن اینکه محبوب خدا شده و این قاعده در مسیر حب به اهل بیت علیهم السلام و اطاعت حبی از آنها همواره جاری و ساری است که انسان در راستای آن اطاعت و آن حب، محبوب خداوند می‌شود. اگر پیغمبران و امامان به خصوص امام زمان علیه السلام نبودند، خدا دوستی در فرهنگ بشر تحقق نمی‌یافت؛ زیرا لازمه محبت، اتحاد است و لازمه اتحاد تناسب است. همچنین جمال انسان‌های کامل، آینه نمایش حق بوده و می‌توان از طریق آنها با حق تماس گرفت و گرنه تماس فرد با حق، تماسی است انتزاعی و فکری و نه قلبی. (طاهرزاده، ۱۳۸۸، صص ۱۶۵-۱۶۰) محبت و مودت به انسان کامل، انسان را فوق سودها و زیان‌ها برده و خودخواهی او را می‌سوزاند. به همین دلیل رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «من مات علی حبی آل محمد مات شهیداً؛ هر کس بر محبت آل محمد بمیرد، شهید مرده است» (مجلسی، ۱۳۸۵، ۲۳/۲۳۳). شهادت نوعی فنای فی الله است و محبت به انسان کامل بانفی هرگونه منیت، انسان را به مقام فنای از خود و بقای به حق می‌رساند (طاهرزاده، ۱۳۸۸، صص ۲۵۴-۲۱۷).

۵-۲. محبت زبانی در رابطه با امام زمان علیه السلام

زبان، ابزار مهمی در ارتباطات است. یکی از این روابط، رابطه محبت و مهرورزی است. ابراز محبت که در زبان روایت و قرآن از آن تعبیر به مودت شده، یعنی اعلام و اظهار دوست داشتن، به تعبیر دیگر واژه محبت به دوست داشتن دلالت می‌کند، بدون آنکه الزامی به بیان آن باشد، ولی در واژه مودت، دوست داشتن همراه با ابراز کردن آن مورد نظر است. شاید به همین دلیل است که در آیه شریفه می‌فرماید:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ.

ای پیامبر، بگو من برای ابلاغ رسالت از شما مزدی نمی‌خواهم، مگر اینکه دوستی با نزدیکان و خویشاوندانم را اعلام کنید. (شوری: ۲۴)

واژه مودت استفاده شده تا معلوم شود، دوست داشتن خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت قلبی

کفایت نمی‌کند و باید به زبان نیز صادر شود. (حسن زاده، ۱۳۹۰، ص ۳۲) جزئیات و آثار محبت به خدا از طریق محبت به پیامبر ﷺ و ائمه به خصوص امام زمان ﷺ آن قدر عظیم است که در قالب الفاظ نمی‌گنجد و حتی اگر هم اهل محبت به این خاندان بخواهند چیزی از آن محبت بگویند، الفاظ ظرفیت ارائه آنچه در دل دارند را ندارد (طاهرزاده، ۱۳۸۸، ص ۱۶۰).

۵-۳. محبت عملی در رابطه با امام زمان ﷺ

خداوند متعال، اهل بیت عصمت را واسطه بین خود و بندگان قرار داده است. یکی از جلوه‌های این واسطه، رسیدن به محبت خود از طریق محبت به آنهاست. بنده می‌تواند با محبت به اهل بیت ﷺ، مسیر قرب به خدا را برای خود مدیریت کرده و خود را از بی‌ثمری برهاند؛ زیرا از یک طرف زندگی بدون مودت و محبت، زندگی بی‌ثمر است. از طرف دیگر، مودت به هر کس و همه چیز نتیجه بخش نیست. در انتهای دعای ندبه انسان پس از نظر به امام زمان ﷺ و شعله‌ور کردن شیفستگی خود به آن حضرت، تقاضاهایش را مطرح کرده و زندگی عبادی خود را وصل به وجود مقدس آن حضرت کرده و از خدا تقاضا می‌کند «اجعل ذنوبنا به مغفوره و دعاءنا به مستجاب» و به نور عصمت امام زمان ﷺ که محبوب جان‌هاست، گناهان را ببخش؛ زیرا در عالم عصمت، هر گناهی محو می‌شود و دعاهایمان را مستجاب کن؛ زیرا در مقام عصمت، حجاب و غفلتی نیست که مانع استجاب دعا شود. با مودت به امامان معصوم ﷺ اتحادی با جان آنها در روح و روان واقع می‌شود و انسان خود را در نفس امام معصوم پیدا می‌کند، به طوری که حضرت علی ﷺ می‌فرماید: «من احبنا فی الله حشر معنا؛ هر کس برای خدا ما را دوست بدارد، با ما محشور می‌شود» (دیلمی، ۹۱۱-۹۶۵، ص ۴۱۵). درست است که این راه علاوه بر آنکه طول می‌کشد، زحمت هم دارد، ولی اگر به نتیجه فوق‌العاده آن توجه شود، به راحتی به سختی‌های راه تن می‌دهد (طاهرزاده، ۱۳۸۸، ص ۲۱۱-۱۸۲).

بنابراین، بهترین راه برای دل سپردن به مطلوب حقیقی، دل سپردن به امام زمان ﷺ است و تا انسان دل خود را از محبت‌های دروغین پاک نکند، به سوی معصوم ﷺ سیر نخواهد کرد. در رابطه با ایجاد محبت به امام زمان ﷺ ابتدا فرد باید خود را درست کند؛ زیرا انسان با تمام ذاتش با کسی روبه‌رو نمی‌شود و به او محبت نمی‌ورزد مگر آنکه آن محبوب به صورت انسان باشد و انسان کامل باشد؛ زیرا لازمه اتحاد، تناسب است. انسان تا با کسی اتحاد پیدا نکند، نمی‌تواند دوستش داشته باشد. اتحاد، دوست داشتن ملموس بوده و در موطن عالم خیال محقق می‌شود تا انسان بتواند به یاد محبوب خود بوده و با او زندگی کند و در نشاط و شور

باشد. انسان باید سیر قلبی خوبی داشته باشد تا بتواند با نور امام زمان علیه السلام رابطه برقرار کند تا جایی که ارتباط با غیبت کبرای حضرت، دیگر از سِرِّ السِّرِّ هم بالاتر می‌رود، دیگر هیچ سهمی از حس، برای ارتباط با ذات مقدس امام زمان علیه السلام در صفر نمی‌ماند. در این مرحله است که انسان متوجه می‌شود عجب، از اول هم این ذوات مقدس غایب بودند، اگر ظهور مختصری در حرکات و گفتار خود داشتند، برای آن بود تا انسان را متوجه حقیقت غیبی خود کرده و به سوی آن بکشانند، پس امام زمان علیه السلام سِرِّ اهل بیت علیهم السلام را آشکار کرده و فهماندند که اینها همیشه در غیب بوده و هستند، ظهور زمینی آنها اشاره بود به وجود غیبی آن عزیزان که توجه به آن حقیقت غیبی، از اول در جان انسان نهاده شده بود و از طریق محبت به آن، متوجه وجود باطنی آن در قلب خواهد شد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

بهر استی هر گز به ولایت ما نخواهید رسید، مگر با داشتن ورع، تلاش، کوشش، راست‌گویی، ادای امانت، خوب همسایه‌داری، اخلاق نیکو، وفای به عهد و پیمان و صلح و صلوات و ما را به طولانی کردن سجده‌های خود یاری کنید، و اگر قاتل حضرت علی علیه السلام امانتی به من بسپارد، هر آینه آن را به او برمی‌گرداند. (طبری، ۱۴۲۵، ص ۲۶۱) (طاهرزاده، ۱۳۸۸، صص ۱۶۲)

علاقه شیعیان به ائمه علیهم السلام حقیقتی طبیعی است، اما محبت قلبی، فقط خواسته درونی انسان را تأمین نمی‌کند. دوست داشتن، امری فطری است، اما امور فطری هم دچار تحریف، تعطیل و تعدیل می‌شوند. برای جلوگیری از تحریف این علاقه درونی و یا تعطیل آن، اسلام توصیه‌های لازم و مؤکد را کرده تا علاوه بر توجه، روش ابراز محبت و مهربانی را نیز آموخته باشد.

۶. نتیجه‌گیری

ارزش انسان، به کمالات معنوی اوست و برای رسیدن به این کمالات باید از اسباب و عواملی استفاده کند که یکی از مهمترین آنها ائمه اطهار علیهم السلام هستند. انسان می‌تواند با محبت به آنها، به کمالات عالی‌ه رسیده و کوتاه‌ترین راه برای رسیدن به کمال از طریق محبت ائمه، به خصوص امام زمان علیه السلام است. البته محبت تنها نباید قلبی و زبانی باشد، بلکه باید همراه با عمل باشد، یعنی باید فرامین ائمه علیهم السلام را نیز اطاعت کند. به این صورت می‌تواند به سعادت و کمال واقعی برسد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۹). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
- * نهج البلاغه.
۱. ابن عربی، محی الدین (بی تا). *الفتوحات المکیه*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۲. حسن زاده، فاطمه (۱۳۹۰). *پایان نامه نقش محبت در تربیت کودکان*. مجتمع عالی بنت الهدی.
 ۳. حسینی، مؤمنه (۱۳۹۳). *پایان نامه آثار محبت متقابل خداوند و انسان در قرآن*. مجتمع عالی بنت الهدی.
 ۴. حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۶۹). *معارف و معاریف*. تهران: مؤسسه فرهنگی آرایه.
 ۵. دیلمی، ابی محمد حسن (۱۳۷۴). *ترجمه ارشاد القلوب دیلمی*. مترجم: طباطبایی، عباس. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۶. زکریایی، محمد علی (۱۳۸۹). *فرهنگ مطهر، اصطلاحات و تعابیر علوم انسانی-دینی از دیدگاه شهید مرتضی مطهری*. تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
 ۷. شیرازی، صدرالدین محمد (۱۳۷۹). *تفسیر القرآن الکریم*. تصحیح: محمد خواجوی. قم: بیدار.
 ۸. صحیفه سجادیه.
 ۹. طاهرزاده، اصغر (۱۳۸۸). *مبانی نظری و عملی حب اهل بیت (علیهم السلام)*. اصفهان: لب المیزان.
 ۱۰. طباطبایی، علامه سید محمد حسین (۱۳۷۸). *تفسیر المیزان*. مترجم: موسوی همدانی، محمد باقر. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۱۱. طبری، عمادالدین ابی جعفر محمد بن ابی القاسم (۱۴۲۵). *بشاره المصطفی*. مترجم: القیومی اصفهانی، جواد. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
 ۱۲. طبیب، سید عبدالحسین (۱۳۸۶). *تفسیر طبیب*. قم: مؤسسه سبطين.
 ۱۳. عبدلهی، مهدی (۱۳۸۹). *عوامل تحصیل کمال از منظر صدر المتالیهین*. معرفت اخلاقی، سال اول، شماره سوم، ص ۷۱-۸۰.
 ۱۴. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۱۱۲). *تفسیر نورالثقلین*. مترجم: عاشور، علی. بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.
 ۱۵. مؤمنی، علی (۱۳۸۷). *کمال انسان و انسان کامل*. پژوهشی بنیادین در مسیر تکامل انسان از منظر عقل و نقل. قم: آیت اشراق.
 ۱۶. محمدی، ری شهری، محمد (۱۳۸۴). *دانشنامه میزان الحکمه*. مترجم: شیخی، حمیدرضا. قم: مؤسسه دار الحدیث.
 ۱۷. مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۵). *بحار الانوار*. تهران: دار کتب الاسلامیه.
 ۱۸. مطهری، مرتضی (۱۳۶۷). *انسان کامل*. قم: صدرا.
 ۱۹. معین، محمد (۱۳۸۲). *فرهنگ معین*. تهران: زرین نگارستان کتاب.
 ۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
 ۲۱. نراقی، مهدی (۱۳۸۵). *علم اخلاق اسلامی*. مترجم: جامع السعادات. تهران: انتشارات حکمت.
 ۲۲. واعظی، احمد (۱۳۷۷). *انسان از دیدگاه اسلام*. تهران: سمت.
 ۲۳. ورام ابن فراس، ابی الحسین (۶۰۵). *تنبه الخواطر ونزهه النواظر*. قم: مکتبه الفقیه.
 ۲۴. هندی، علاءالدین المتقی بن حسام الدین (۱۳۹۹). *کنز العمال فی سنین الاقوال و الافعال*. بیروت: مؤسسه رساله.